



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده غرب‌شناسی و علم‌پژوهی

گروه تاریخ علم دوره اسلامی

رساله دکتری رشته تاریخ علم دوره اسلامی

نسبت سیاست و قدرت با نهاد پزشکی در دوره خلافت عباسی (۱۳۲-۴۴۷ه.ق)

استاد راهنما

دکتر محمد رحیم ربانی‌زاده

استادان مشاور

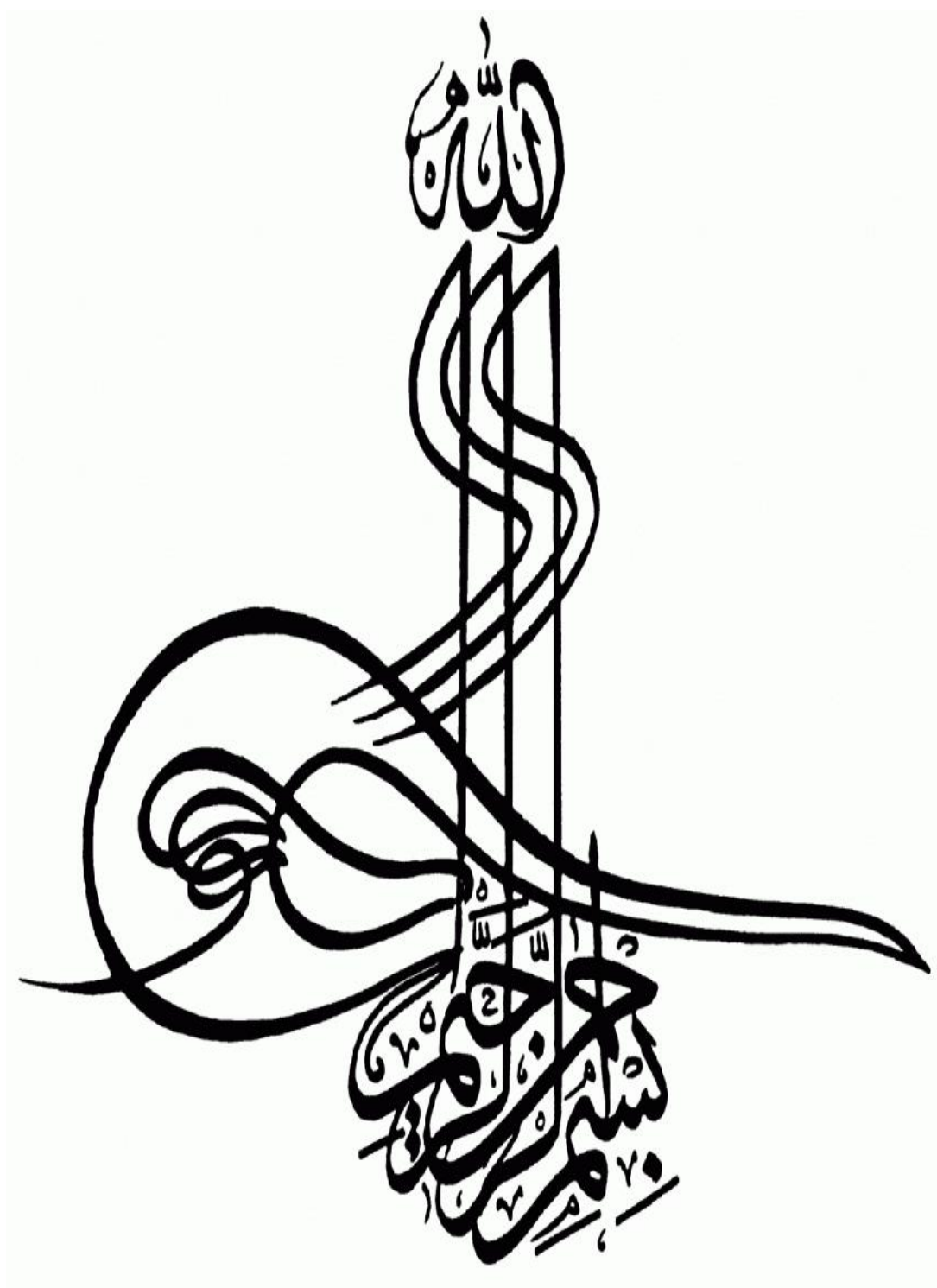
دکتر روح‌اله بهرامی

دکتر علیرضا منجمی

پژوهشگر

مریم دارابی

آذرماه ۱۳۹۹





وزارت علوم تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده غرب شناسی و علم پژوهی

گروه تاریخ علم دوره اسلامی

رساله دکتری رشته تاریخ علم دوره اسلامی

نسبت سیاست و قدرت با نهاد پزشکی در دوره خلافت عباسی (۱۳۲-۴۴۷ه.ق)

استاد راهنما

دکتر محمد رحیم ربانی‌زاده

استادان مشاور مشاور

دکتر روح اله بهرامی

دکتر علیرضا منجمی

پژوهشگر

مریم دارابی

آذر ماه ۱۳۹۹

سپاسگزاری

سپاس و ستایش خالق را که گوهر عقل و خرد را در وجود آدمی به ودیعه نهاد و دنیای عقل و خرد را با آفتاب علم و دانش روشنی بخشید تا شگفتی‌های آفرینش و رموز هستی بر آدمی مکشوف گردد.

خدا را سپاس که به این جوینده دانش توفیق داد تا با عنایت و مساعدت استادان محترم دری از درهای علم و دانش را بگشایم، بنابراین بر خود لازم می‌دانم که از زحمات و عنایات بی‌دریغ این عزیزان تشکر و قدردانی نمایم؛ باشد که ذره‌ای از دریای بی‌کران محبتشان را پاسخگو بوده باشم.

در ابتدا بایسته است از زحمات ارزشمند استاد راهنمای گرانقدر جناب آقای دکتر ربانی‌زاده و استادان مشاور ارجمند، جناب آقای دکتر منجمی و جناب آقای دکتر بهرامی که مرا در لحظه لحظه این نوشتار یاری نمودند کمال سپاس را داشته باشم.

همچنین بر خود لازم می‌دانم از زحمات بی‌دریغ خانواده‌ام، به‌خصوص پدر و مادر بزرگوaram که شور آموختن را در من پروراندند، طعم خوش دانش را به من چشانند و قدم نهادن در مسیر علم را بر من آسان نمودند، نهایت تشکر را داشته باشم و از درگاه خداوند متعال سعادت و توفیقات روز افزون این عزیزان را خواهانم.

و در پایان جا دارد از زحمات خواهرم مهربانم مارال دارابی و دوستان عزیزم خانم دکتر جنگجو، خانم دکتر طهماسبی، آقای دکتر دهقان‌نژاد و آقای مهندس کرمی که در مراحل مختلف این نگارش لطف و مساعدت آنان همواره یار و راهنمای من بود، تشکر نمایم.

مریم دارابی

تقدیم به مادرم،

او که روشن‌ترین تفسیر عاشقی است

و

تقدیم به پدرم

که زلال جاری اندیشه‌اش، وجود

عطشناکم را سیراب نمود.

چکیده

پزشکان ابتدا با هدف طبابت وارد دربار عباسی شدند؛ اما اندکی بعد در سایه دانش پزشکی و تبحر خود، قدرت و ثروت زیادی به دست آوردند و درگیر مناسبات قدرت در دربار شدند. آنان اگر چه توانستند جایگاه و موقعیت بالایی در دربار عباسی کسب کنند؛ پیوسته جایگاه آنان متزلزل بود و گاه در اوج قدرت و گاه در حضيض ذلت بودند. بنابراین پژوهش حاضر به روش تاریخی و با رویکردی توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که نسبت سیاست و قدرت با نهاد پزشکی در دوره عباسیان به چه شکلی بوده است؟ مدعای پژوهش این است که نیاز خلفا به درمان، زمینه ورود پزشکان را به دستگاه خلافت فراهم نمود و به حضور آنان در دربار قوت بخشید. عواملی چون موفقیت این پزشکان در طبابت، قدرت خلفا در حمایت از آنان؛ همچنین تهدید دیگر درباریان، جایگاه این پزشکان را دچار نوسان می کرد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که پزشکان با بهره مندی از دانش پزشکی، چنان در خلفا اثر داشتند که به عنوان یکی از بازیگران اصلی عرصه سیاست مطرح می شدند، بر آن سان که در عزل و نصب خلفا، مسمومیت و قتل آنان نقش به سزایی داشتند و می توانستند با فرو گذاشتن مداوای آنان، زمینه را برای به قدرت رسیدن فرد مطبوع خود فراهم کنند؛ همچنین با تنزل جایگاه، زندانی و گاه تبعید می شدند و یا حتی به قتل می رسیدند.

کلید واژه ها: سیاست، قدرت، نهاد پزشکی، دوره عباسی.

پیشگفتار..... ۱

فصل اول کلیات

۱-۱. مسأله پژوهش..... ۴

۱-۲. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش (چرایی پژوهش درباره این موضوع)..... ۷

۱-۳. اهداف پژوهش..... ۷

هدف اصلی:..... ۷

اهداف فرعی:..... ۷

۱-۴. قلمرو پژوهش..... ۸

الف) قلمرو مکانی:..... ۸

ج) قلمرو موضوعی:..... ۸

۱-۵. سؤال‌های پژوهش..... ۸

سؤال اصلی:..... ۸

سؤالات فرعی:..... ۸

۱-۶. فرضیه‌های پژوهش..... ۹

۱-۷. پیشینه پژوهش..... ۹

۱-۸. تعریف مفاهیم..... ۱۵

۱-۹. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش..... ۱۵

۱-۱۰. روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش..... ۱۵

۱-۱۱. فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات..... ۱۵

۱۶-۱. فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات	۱۶
۱۶-۱. معرفی و نقد منابع تواریخ عمومی	۱۶
الف).الفهرست	۱۶
ب).الكامل	۱۶
ج).مختصرالدول	۱۷
د).تاریخ الرسل والملوک	۱۷
۲.فرهنگ‌های رجال پزشکی	۱۷
الف).عیون الانباء فی طبقات‌الحکماء	۱۷
ب).تاریخ‌الحکماء	۱۸
ج).طبقات الاطباء و الحکماء	۱۸
د).فردوس‌الحکمه	۲۰
۳.پژوهش‌های معاصر	۲۱
الف).تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی	۲۱
ب).تاریخ طب در ایران پس از اسلام	۲۱
ج).تاریخ التراث العربی	۲۱
د).طب اسلامی	۲۲

فصل دوم تاریخچه پزشکی

۲-۱. تاریخچه پزشکی	۲۴
۲-۲. تاریخچه پزشکی در ایران	۲۶
۲-۳. پزشکی در ایران باستان	۳۰
۲-۳-۱. نسبت سیاست و قدرت با نهاد پزشکی در ایران باستان	۳۳
اخلاق پزشکی در ایران باستان(شکل ۱)	۴۱
۲-۴. علم پزشکی در میان اعراب پیش از اسلام	۴۲

فصل سوم پزشکی دوره اسلامی

۳-۱. پزشکی در دوره اموی	۴۷
-------------------------------	----

- ۳-۲. پزشکی در دوره آل بویه ۵۱
- ۳-۳. تاریخ پزشکی در دوره حکومت عباسیان ۵۳

فصل چهارم نسبت سیاست و قدرت با نهاد پزشکی

- ۴-۱-۱. تأسیس جندی شاپور ۵۸
- ۴-۱-۲. جندی شاپور در دوره اسلامی ۶۰
- ۴-۱-۳. شیوه کار پزشکی در دانشگاه جندی شاپور ۶۱
- ۴-۱-۴. مشخصه‌های پزشکی در جندی شاپور ۶۲
- ۴-۱-۵. جندی شاپور در زمان امویان ۶۲
- ۴-۱-۶. جندی شاپور در دوره عباسیان ۶۳
- ۴-۱-۷. تعطیل شدن دانشگاه جندی شاپور و انتقال آن به بغداد ۶۳
- ۴-۱-۸. پزشکان جندی شاپور ۶۵
- ۴-۱-۹. جندی شاپور و تأمین مالی ۶۵
- ۴-۱-۱۰. افول جندی شاپور ۶۶
- ۴-۲. خاندان‌های پزشک ۶۷
- ۴-۲-۱. خاندان بختیشوع ۶۷
- ۴-۲-۱. پزشکان خاندان بختیشوع و خلفای معاصر ۶۸
- ۴-۲-۲. جورجیس بن جبرائیل ۶۹
- ۴-۲-۳. بختی شوع بن جورجیس (بختیشوع دوم) ۷۰
- ۴-۲-۴. جبرائیل بن بختی شوع ۷۰
- ۴-۲-۵. بختیشوع بن جبرائیل (بختیشوع سوم) ۷۱
- ۴-۲-۶. عبیدالله اول ۷۲
- ۴-۲-۷. یوحنا (یحیی) بن بختیشوع ۷۲
- ۴-۲-۸. بختی شوع بن یوحنا (یحیی) ۷۲
- ۴-۲-۹. جبرائیل بن عبیدالله بن بختی شوع ۷۳
- ۴-۲-۱۰. بختیشوع چهارم ۷۳

۷۴.....	۱۱-۲-۴. ابوسعید عیدالله بن جبرائیل
۷۴.....	۴-۲-۳. خاندان ماسویه
۷۴.....	۱-۳-۲-۴. مقدمه
۷۶.....	۲-۳-۲-۴. ابوزکریا ماسویه خوزی
۷۶.....	۳-۲-۳-۴. یوحنا ابن ماسویه
۷۸.....	۳-۱-۴. خاندان حنین
۷۸.....	۱-۳-۱-۴. حنین بن اسحاق
۷۹.....	۲-۳-۱-۴. اسحاق بن حنین
۷۹.....	۴-۱-۴. ابوقریش
۸۰.....	۵-۱-۴. خاندان قره
۸۰.....	۱-۵-۱-۴. ابوالحسن ثابت بن قره
۸۲.....	۲-۵-۱-۴. سنان بن ثابت
۸۳.....	۳-۵-۱-۴. ثابت بن سنان بن ثابت بن قره
۸۴.....	۴-۵-۱-۴. ابراهیم بن سنان
۸۴.....	۵-۵-۱-۴. هلال بن ابراهیم حرانی
۸۵.....	۴-۱-۵-۶. ثابت بن ابراهیم
۸۵.....	۶-۱-۴. سلمویه بن بنان
۸۶.....	۷-۱-۴. شهلایا
۸۶.....	۸-۱-۴. خاندان طیفوری
۸۶.....	۱-۸-۱-۴. عبدالله طیفوری
۸۷.....	۲-۸-۱-۴. زکریا بن عبدالله طیفوری
۸۸.....	۴-۱-۸-۳. اسرائیل بن زکریا بن عبدالله طیفوری
۸۸.....	۹-۱-۴. یوحنا ابن سراپیون
۸۹.....	۱۰-۱-۴. یزید بن زید
۹۰.....	۱۱-۱-۴. سهل بن شاپور بن سهل

- ۴-۱-۱۱. سابور بن سهل بن شاپور بن سهل ۹۰
- ۴-۱-۱۱.۲. اسرائیل بن سهل ۹۱
- ۴-۱-۱۲. جبرائیل کحال (چشم پزشک) مأمون ۹۱
- ۴-۱-۱۳. عیسی بن چهاربخت (صاربخت) ۹۱
- ۴-۱-۱۴. قسطابن لوقا بعلبکی ۹۲
- ۴-۱-۱۵. خصیب بصری ۹۲
- ۴-۱-۱۶. ابوالحسین عمرو بن الدحلی ۹۲
- ۴-۱-۱۷. ابن بطلان ۹۲
- ۴-۱-۱۸. ابن هندو، ابوالفرج علی بن الحسین ۹۳
- ۴-۱-۱۹. ابوالحسین بن کشکرایا ۹۳
- ۴-۱-۲۰. ابوالعلا فارسی ۹۴
- ۴-۱-۲۱. ابوسعید یمامی ۹۵
- ۴-۱-۲۲. ابوسهل ارّجانی ۹۵
- ۴-۱-۲۳. دانیال طبیب ۹۶
- ۴-۱-۲۴. صالح بن پهل ۹۷
- ۴-۱-۲۴. علی بن ربنطبری ۹۷
- ۴-۲. جایگاه، اختیارات و نفوذ سیاسی - اجتماعی پزشکان ۹۸
- ۴-۲-۱. جایگاه و اختیارات پزشکان ۹۸
- ۴-۲-۲. خاندان بختی شوع ۱۰۱
- ۴-۲-۳. خاندان ماسویه ۱۱۰
- ۴-۲-۴. خاندان حنین ۱۱۳
- ۴-۲-۵. سنان بن ثابت ۱۱۵
- ۴-۲-۶. ابوقریش عیسی ۱۱۷
- ۴-۳. عوامل پیونددهنده بین خلفا و پزشکان ۱۱۹
- ۴-۳-۱. قطع بودجه پزشکان بیمارستان جندی شاپور و انتقال آنان به بغداد ۱۱۹

۱۱۹	۴-۳-۲. آشنایی با زبان‌های خارجی
۱۱۹	۴-۳-۳. ترویج و ارتقای حرفه پزشکی
۱۲۰	۴-۳-۴. کمبود پزشک حاذق مسلمان
۱۲۲	۴-۳-۵. تساهل و تسامح خلفا
۱۲۳	۴-۴. وظایف پزشکان
۱۲۳	۴-۴-۱. درمان و معالجه
۱۲۵	۴-۴-۲. نقش پزشکان به عنوان چاشنی گیر (خوان سالار) خلفا
۱۲۶	۳-۴-۴. تشخیص و ممانعت از مسمومیت احتمالی و خطر توطئه علیه خلفا
۱۲۷	۴-۴-۴. پزشک و راز داری و امنیت جان آنان
۱۲۷	۴-۴-۵. نفوذ و دخالت سیاسی
۱۳۰	۴-۵. پزشکی و سیاست
۱۳۹	۴-۶. ثروت پزشکان
۱۴۳	۴-۷. دین پزشکان
۱۴۵	۴-۸. عوامل مؤثر در تنزل جایگاه پزشکان در دربار
۱۴۵	۴-۸-۱. رقابت و حسادت بین پزشکان و نیز بین پزشکان و درباریان
۱۵۰	۴-۸-۲. جاسوسی
۱۵۲	۴-۸-۳. عدم حفظ اسرار خلفا و دربار
۱۵۳	۴-۸-۴. استفاده ابزاری از دانش پزشکی

فصل پنجم نقش پزشکان در توسعه و پیشرفت پزشکی

۱۵۶	۵-۱. مقدمه
۱۵۶	۵-۲. پزشکان و علم ترجمه
۱۶۳	۵-۳. بیت الحکمه
۱۷۱	۵-۴. خاندان‌های مترجم
۱۷۱	۵-۴-۱. مترجمین دانش پزشکی در زمان عباسیان
۱۷۴	۵-۴-۳. یوحنا بن ماسویه:

- ۴-۴-۵. خاندان حنین: ۱۷۵
- ۴-۴-۵-۱. حبیش اعسم دمشقی: ۱۷۷
- ۴-۴-۵. قسطا ابن لوقای بعلبکی: ۱۷۸
- ۴-۴-۶. خاندان ماسرجویه: ۱۷۸
- ۴-۴-۷. خاندان ثابت: ۱۷۸
- ۴-۴-۸. یوحنا ابن بختیشوع: ۱۷۹
- ۴-۴-۹. بطریق: ۱۷۹
- ۴-۴-۱۰. ابوزکریا یحیی بن بطریق ۱۷۹
- ۴-۴-۱۱. ابواسحاق ابراهیم بکس ۱۸۰
- ۵-۵. پیامدهای نهضت ترجمه ۱۸۱
- ۵-۶. پزشکی و پیشرفت ۱۸۲
- ۵-۷. نهضت ترجمه و توسعه و پیشرفت پزشکی ۱۸۴
- ۵-۸. شاخه های پزشکی در عصر عباسی ۱۸۶
- ۵-۸-۱. علم النفس (روانپزشکی) ۱۸۶
- ۵-۸-۲. چشم پزشکی ۱۸۷
- ۵-۸-۳. جراحی ۱۸۹
- ۵-۸-۴. گیاه شناسی و داروسازی ۱۸۹
- ۵-۹. شیوه های درمان ۱۹۱
- ۵-۱۰. مشهورترین چشم پزشکان اسلامی ۱۹۳
- ۵-۱۰-۱. ابن ماسویه ۱۹۳
- ۵-۱۰-۲. حنین بن اسحاق ۱۹۳
- ۵-۱۰-۳. علی بن عیسی کحال ۱۹۴
- ۵-۱۱. دانشمندان مسلمان و علم تشریح ۱۹۵
- ۵-۱۱-۱. تشریح بدن و کالبدشناسی ۱۹۶
- ۵-۱۲. علم الاسنان (دندانپزشکی) ۱۹۷

۱۹۸	 ۵-۱۲. علم بیطار (دامپزشکی)
۱۹۹	 ۵-۱۳. ابتکارات پزشکان مسلمان
۲۰۵	 نتیجه و جمع بندی
۲۱۱	 کتابنامه

پیشگفتار

علم، توصیف و توضیح دقیق پدیده‌ها و رخدادها است و تاریخ علم دانشی در جهت بررسی و بیان چگونگی وقایع علمی و نیز تبیین چرایی وقوع آن‌ها می‌باشد. لذا فعالیت‌هایی که در حوزه تاریخ علم به انجام می‌رسد، واجد ابعاد و گستره‌های گوناگونی خواهد بود؛ فعالیت‌هایی که در آن‌ها سابقه تاریخی یک موضوع علمی بررسی می‌شود، مطالعاتی که در آن‌ها زندگی دانشمندان از منظر رویکرد آن‌ها به مباحث علمی مورد توجه قرار می‌گیرد، بررسی زندگی علمی و روند فعالیت‌های علمی یک دانشمند از جهت چگونگی سیر او در مدارج دانش، بررسی یک یا چند اثر تاریخ علمی به نحوی که تطور مفاهیم علمی در نگرش یک دانشمند یا رده‌ای از دانشمندان در یک دوره معین را نشان می‌دهد، مقایسه دیدگاه‌های دودانشمند معاصر و یا غیر هم‌عصر در حوزه مفاهیم علمی، بررسی نسخه‌شناختی و تنقیح و تصحیح آثار علمی و ... تاریخ عمومی علم به معنی نگاه گذرا بر فعالیت‌های علمی و متمایز ساختن هریک از ادوار تحول علمی، بررسی سنت فکری و گفتمان علمی در هریک از ادوار تاریخی و یا مقایسه گفتمان‌های علمی ادوار مختلف و جز آن از جمله موضوعاتی می‌باشند که در حوزه مطالعات تاریخ علم قرار دارند. در این میان برخی از موضوعات یاد شده نسبت به برخی دیگر کلی‌تر یا جزئی‌تر خواهند بود.^۱

تاریخ علم یکی از علوم است که به بشر کمک می‌کند که دانش را از شبه دانش تشخیص دهد. این رشته در جامعه علمی و آکادمیک ایران رشته‌ای نوپا است که بسیاری از پژوهشگران حتی از وجود آن بی‌خبر هستند و یا آگاهی اندکی از آن و حوزه‌های زیر مجموعه آن دارند. در این میان تاریخ پزشکی به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های تاریخ علم طی سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و پژوهش‌های مفیدی در این زمینه صورت گرفته است. تاریخ پزشکی یکی از شاخه‌های مهم تاریخ علم است که مسلمانان در آن درخشیدند و ضمن استفاده از میراث گذشتگان، با ابتکارات و نوآوری‌ها خود آن را پربارتر و غنی‌تر ساختند. اما آنچه موضوع رساله اینجانب در تاریخ پزشکی است در واقع مهجور مانده و به این موضوع پرداخته نشده است. همین امر نگارنده را وادار کرد که پژوهشی در این زمینه انجام دهد.

مطالب این رساله در «پنج» فصل تدوین شده است. در فصل نخست از پژوهش حاضر به کلیات طرح تحقیق پرداخته شده و در آن مواردی چون، موضوع پژوهش، مسأله پژوهش، اهمیت، ضرورت، اهداف و کاربرد پژوهش توضیح داده شده است. در ادامه، روش پژوهش و چگونگی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها به همراه بررسی پیشینه پژوهش آمده است. در فصل دوم با عنوان «تاریخچه پزشکی»، تاریخچه پزشکی در ایران، پزشکی در ایران باستان و پزشکی در میان اعراب پیش از اسلام مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

^۱ - برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به عمادی ۱۳۹۱: ۲-۱

فصل سوم نیز پزشکی دوره اسلامی را مورد بررسی قرار داده و در آن به مسائل مختلفی چون پزشکی در دوره امویان، آل بویه و عباسیان پرداخته شده است.

درفصل چهارم با عنوان «نسبت سیاست و قدرت با نهاد پزشکی در دوره عباسیان»، بخش‌های متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ابتدای این فصل به جندی‌شاپور و ارتباط آن با دربار خلافت عباسی پرداخته می‌شود و زمینه‌های افول دانشگاه جندی‌شاپور بررسی می‌شود. در بخش بعدی خاندان‌های پزشک معرفی می‌شوند. سپس در بخش بعدی به جایگاه، اختیارات و نفوذ سیاسی-اجتماعی پزشکان پرداخته می‌شود. در ادامه بخش‌های این رساله که مشتمل بر عوامل پیوند دهنده بین خلفا و پزشکان، وظایف پزشکان و عوامل مؤثر در تنزل جایگاه پزشکان در دربار عباسی است، پرداخته می‌شود.

در نهایت فصل پنجم به بررسی نهضت ترجمه و نقش پزشکان درباری در نهضت ترجمه و آثار ترجمه شده و تألیفی این پزشکان پرداخته می‌شود و نقش این پزشکان در توسعه و پیشرفت پزشکی این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین شاخه‌های پزشکی رایج در دوره عباسی معرفی می‌شوند و نقشی که پزشکان مسلمان در توسعه و گسترش این رشته‌ها داشته‌اند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

مریم دارابی

فصل اول

کلیات

۱-۱. مسأله پژوهش

شکل‌گیری دانشگاه جندی‌شاپور در ایران و تمرکز علوم مختلف و بالاحص پزشکی در آنجا باعث ایجاد محیطی علمی قبل از تمدن اسلامی بوده است. بعد از ورود اسلام به ایران علم پزشکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. هنگامی که در زمان عباسیان مرکز خلافت به بغداد منتقل شد؛ گروه‌های متفاوتی برای امرار معاش به بغداد رفتند و به تحصیل زبان عربی مشغول شدند. آنان علاوه بر اینکه در اداره امور مملکت کمک کردند، با استفاده از دانش و ادب خود، به پیشرفت علم نیز مساعدت کردند. پزشکان یکی از این گروه‌ها بودند.

حضور پزشکان در مرکز خلافت عباسیان و همچنین راهیابی آنان به مراکز قدرت و دربار به تدریج باعث به وجود آمدن ساختاری نوین در مناسبات قدرت با محوریت پزشکان شد. پزشکان در این دوره صرفاً به عنوان پزشک شناخته نمی‌شدند، بلکه نقشی فعال و تأثیرگذار در روابط قدرت داشتند. عزل و نصب‌ها، دخالت در صدور فرامین و دستورها و اموری از این دست، از عمده فعالیت‌های سیاسی پزشکان دربار خلفا بود.

اولین حضور و نفوذ پزشکان در دربار خلفای عباسی، با به کارگیری دانش پزشکی توسط جورجیس بن بختیشوع در ۱۴۸ق عملی گردید. در این سال ابوجعفر منصور، خلیفه عباسی بیمار شد و پزشکان بغداد نتوانستند وی را درمان کنند. با اشاره خلیفه، پزشکان درباری جمع شدند تا برای بیماری او چاره‌ای اندیشند و آنان همگی یادآور شدند که پزشکی بزرگ‌تر از جورجیس بن بختیشوع - رئیس بیمارستان جندی‌شاپور - نمی‌شناسند و تنها او می‌تواند بیماری خلیفه را درمان کند. به فرمان منصور، کارگزار وی در جندی‌شاپور به دیدار جورجیس رفت و از او درخواست کرد برای درمان خلیفه به بغداد رود. جورجیس، ریاست بیمارستان جندی‌شاپور را به پسرش بختیشوع واگذار کرد و با دو شاگرد خود، عیسی بن شهلافا و ابراهیم به بغداد رفت. جورجیس منصور را درمان کرد و با نشان دادن شایستگی‌ها و توانمندی‌های پزشکی خود از سوی خلیفه به ریاست پزشکان بغداد برگزیده شد.

این آغاز ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی پزشکان جندی‌شاپوری با دربار خلفای عباسی بغداد بود. به‌ویژه امتناع از پرداخت کمک مالی از سوی خلفای عباسی باعث شد بسیاری از پزشکان جندی‌شاپور راهی دربار آنان شوند. پزشکان جندی‌شاپوری هم‌چون خاندان‌های بختیشوع و ماسویه با پیشینه پزشکی درخشان در زادگاه خود، مدت‌ها پزشک خلفای عباسی و بزرگان دستگاه خلافت عباسیان بودند. علاوه بر این پیشگامان ترجمه نوشته‌های کهن یونانی، ایرانی، هندی و سریانی در زمینه پزشکی، ستاره‌شناسی، فلسفه و دیگر دانش‌های بیگانه به زبان عربی نیز بودند.

بعد از جورجیس، پسرش بختیشوع ابتدا در دربار مهدی عباسی و سپس هارون الرشید در ۱۷۱ ه.ق به عنوان پزشک مخصوص دربار خدمت کرد. بعد از بختیشوع نیز پسرش، جبرائیل وارد دربار خلافت شد.

خاندان ماسویه را می‌توان قطب دیگر دانش پزشکی در عهد خلافت عباسی به شمار آورد. ماسویه از داروسازان جندی شاپور بود. وی به معرفی و توصیه دهشتک - رئیس بیمارستان جندی شاپور - توسط جبرائیل بن بختیشوع برای کار در بیمارستانی که به دستور هارون الرشید در بغداد ساخته شد، دعوت شد. ماسویه مدتی همراه برادرش به شاگردی جبرائیل بن بختیشوع پرداخت.

همکاری ماسویه با جبرائیل بن بختیشوع دیری نپایید، بین آن دو کدورتی به وجود آمد. همین امر باعث شد که جبرائیل، ماسویه را در جندی شاپور از کار برکنار کند. روابط ماسویه و جبرائیل نیز از خواندنی‌های تاریخی است و نشان از رقابت‌های نهان و آشکار بین پزشکان درباری در مناسبات قدرت دارد.

ماسویه بعد از اینکه از کار خود برکنار شد، به قصد عذرخواهی شخصاً عازم بغداد شد ولی جبرائیل حتی حاضر نشد او را بپذیرد. اما اندکی بعد ماسویه با معالجه چشم یکی از خدمت‌گزاران فضل بن ربیع (وزیر) و سپس معالجه خود وزیر مهارت خود را در حرفه پزشکی نمایان کرد و توانست به موقعیتی بالاتر از موقعیت قبلی برسد (ابن ابی اصیبعه، ۱۹۶۵: ۲۴۲-۲۴۳). از این طریق زمینه ورود وی به محیطی مناسب برای نشان دادن توانایی خود و بعد از وی برای فرزندانش گشوده شد.

نفوذ در دربار با استفاده از ابزاری از دانش، همچنین دخالت در مناسبات قدرت و امور سیاسی، مواردی هستند که می‌توان در دوران خلافت عباسیان در مورد پزشکان درباری و وابستگان آنان مشاهده کرد. البته به نظر می‌رسد این رقابت‌ها در دوران اولیه حکومت عباسی با توجه به قدرت خلیفه بیشتر معطوف به مناسبات داخلی و یا لایه‌های پائینی قدرت بوده است. اما در سالیان پس از آن با کم شدن نفوذ و اقتدار خلیفه و بازیگری بیشتر اطرافیان خلیفه در روابط قدرت، دخالت پزشکان نیز با استفاده از دانش پزشکی، در این روابط درهم تنیده، نمود بیشتری پیدا کرد. مسمومیت‌های مخالفان و میل کشیدن به چشم مخالفان ... از جمله سوءاستفاده‌ای بود که از دانش پزشکی توسط دولتمردان در عهد خلفای عباسی به‌ویژه در سال‌های میانی و پایانی عهد عباسیان صورت می‌گرفت. توزون امیر ترک که به قهر خلیفه عباسی متقی بالله گرفتار شده بود، با استفاده از دانش پزشکان دربار و میل کشیدن به چشمان خلیفه، او را کور کرد (۳۳۳ ه.ق) تا دیگر خطری برای توزون محسوب نشود. او به علت حساسیت کار و اینکه نمی‌خواست خلیفه بر اثر جراحت کشته شود و یا اثر جنایت او بر روی جسم خلیفه باقی بماند برای این کار از پزشکان کمک گرفت. حتی جبرائیل که زمانی از افراد بسیار مورد اعتماد هارون بود، به گفته طبری در

اواخر عمر هارون درانتظار مرگ خلیفه بود و درایام احتضار فرامین وی را اجابت نمی‌کرد (طبری، ۱۹۸۳: ۸ / ۳۳۹).

پزشکان با تکیه بر دانش خود، از نزدیک‌ترین افراد به خلفا بودند. این امر به پزشکان امکان می‌داد تا در امور درباری مداخله کنند و بر تصمیم‌های خلفا تأثیر بگذارند. خلفا در امور مختلف و مهم با آنان مشورت می‌کردند و حتی گاهی پزشکان به جای آنان توفیع می‌کردند (ابن قفطی، ۱۳۴۷: ۱۸۷). همین امر باعث می‌شد که پزشکان درباری مورد حسادت سایر درباریان قرار گیرند و نوعی رقابت بین آنان به وجود آید. نفوذ پزشکان در دربار، همچنین ثروت فراوانی را برای آنان به ارمغان می‌آورد، به‌طوری‌که این موقعیت مالی گاه حسادت اطرافیان را برمی‌انگیخت. میزان ثروت جبرائیل بن بختیشوع نشان می‌دهد که پزشکان دربار ثروت کلان و تمکن مالی بی‌نظیری داشته‌اند. حنین شاگرد یوحنا بن ماسویه، پزشک دربار خلیفه متوکل نیز، نیز می‌توان از پزشکانی دانست که با استفاده از دانش پزشکی و مناسبات جاری در نهاد قدرت توانست ثروت کلانی را به دست آورد و به ریاست دانشمندان و مترجمان نائل آید (ابن جلیجل، بی تا: ۱۳۷).

موقعیت پزشکان در برابر قدرت و دردرون دربار متزلزل بود و گاهی پزشکان در معرض انواع توطئه‌ها و دسیسه‌های دربار قرار می‌گرفتند. برای نمونه، جبرائیل بن بختیشوع به سبب صراحت لهجه مورد غضب هارون قرار گرفت. و چون هارون بیمار شد جبرائیل او را درمان نکرد. خلیفه نیز او را به زندان انداخت و حتی فرمان قتل وی را صادر کرد. یا وقتی که مأمون بر امین پیروز شد فرمان داد اموال جبرائیل مصادره و خودش زندانی شود. همچنین در بیماری هادی پسر مهدی، بختیشوع دوباره به بغداد خوانده شد و او را معالجه کرد، این امر بر خیزران گران آمد که با وجود پزشک خاص او، ابوقریش، چرا او را فراخوانده‌اند، بنابراین ابوقریش را به دشمنی با او برانگیخت. به‌طوری‌که خلیفه مجبور شد بختیشوع را به جندی‌شاپور بازگرداند. همچنین متوکل اموال بختیشوع- بن جبرائیل (بختیشوع سوم) را مصادره و به بحرین تبعید کرد.

درهم تنیدگی قدرت و سیاست در حوزه دانش پزشکی در عصر خلافت عباسیان و تأثیری که بر مناسبات پزشک و بیمار (خلیفه) می‌گذاشت و همچنین تأثیری که از آن می‌پذیرفت، موضوعی است که می‌تواند دست‌مایه پژوهشی در تاریخ علم پزشکی قرار گیرد. حضور پزشکان در نهادهای اثرگذار قدرت و همچنین تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آنان در مناسبات و روابط مبتنی بر قدرت و سیاست، به نوعی موجب اهمیت یافتن دانش پزشکی در سطح تصمیم‌گیرندگان قدرت شد. بررسی نحوه ارتباط پزشکان و خلفا، تأثیر پزشکان بر عرصه سیاست و تأثیر قدرت سیاسی بر نهاد پزشکی از جمله مباحثی هستند که نیاز به بررسی دارد.

مطالعه روابط بین ساختار قدرت و سیاست با پزشکان و دانش پزشکی و بده بستان‌های صورت گرفته در این میان، تبیین نقش آفرینی پزشکان و نهاد علم پزشکی در مناسبات قدرت و همچنین تأثیرات متقابل آن با مناسبات پزشکان و خلفا مسأله اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۱-۲. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش (چرایی پژوهش درباره این موضوع)

ورود پزشکان به دربار برای درمان خلفا و درباریان، زمینه‌ساز ورودشان به عرصه قدرت و سیاست بود. بررسی نحوه ارتباط خلفا و پزشکان، جایگاه والای آنان نزد خلفا و درباریان، مداخله در امور سیاسی و نقش این پزشکان در توسعه و پیشرفت پزشکی و همچنین ثروت به دست آمده از دانش پزشکی، از جمله مباحث مهم دوره خلافت عباسی است که نیاز به مطالعه و بررسی دارد. تأثیری که نهاد پزشکی در نسبت پزشک و بیمار (خلیفه) در دوره خلافت عباسی تحت تأثیر ساختارهای قدرت، بر یکدیگر گذاشته‌اند و تأثیری که می‌پذیرفتند؛ بخشی از تاریخ دانش پزشکی است که بایستی به بررسی و تحلیل آن پرداخت.

برای نیل به این موضوع در نگاهی کارکردی، ابتدا باید به توضیح و تبیین حضور پزشکان در دربار خلفای عباسی و کارکردهای سیستماتیک پزشک، نهاد پزشکی و روابط آن با بیمار (خلیفه) پرداخته و نشان داده شود که پزشکان چگونه بر برنامه‌های سیاسی خلفا و درباریان تأثیر می‌گذاشتند یا تأثیر می‌پذیرفتند و نقش این تأثیرپذیری بر مؤلفه‌های ارتباط خلفا و پزشک چگونه بوده است. کاری که به نظر می‌رسد با توجه به بررسی‌های تاریخی و اهتمامی که در این دوره به دانش پزشکی، تاریخ پزشکی و همچنین اخلاق پزشکی در جهت تبیین تمامی گوشه‌ها و زوایای پیدا و پنهان آن، نشان داده شده، مورد نیاز و از ضرورت‌های روز علمی است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی:

۱. مطالعه نسبت سیاست و قدرت با نهاد پزشکی در دوره خلافت عباسی (۱۳۲-۴۴۷) هجری قمری.

اهداف فرعی:

۱. تبیین نقش پزشکان در مناسبات سیاسی دربار خلفای عباسی؛
۲. مطالعه تأثیر نسبت سیاست و قدرت با نهاد پزشکی در مناسبات خلیفه و پزشک در دوره خلافت عباسی (۱۳۲-۴۴۷) هجری قمری؛

۳. بررسی تأثیر نسبت سیاست و قدرت با نهاد پزشکی بر پیشرفت علم پزشکی در دوره خلافت عباسی (۱۳۲-۴۴۷ هجری قمری).

۴-۱. قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی:

قلمرو مکانی پژوهش شامل سرزمین‌های تحت خلافت عباسی و به طور ویژه دارالحکومه عباسیان است.

ب) قلمرو زمانی:

قلمرو زمانی این پژوهش شامل دوران خلافت عباسی (۱۳۲-۴۴۷ هجری قمری) است.

ج) قلمرو موضوعی:

این پژوهش نسبت قدرت و سیاست با نهاد پزشکی در عصر خلفای عباسی (۱۳۲-۴۴۷ هجری قمری) را مورد بررسی قرار می‌دهد. لذا قلمرو موضوعی این رساله به حضور و نقش پزشکان دربار خلفای عباسی در مناسبات قدرت و نقش‌پذیری یا نقش‌آفرینی ایشان در این زمینه و تأثیری که این مناسبات در روابط خلیفه و پزشک گذاشته است، می‌پردازد.

۵-۱. سؤال‌های پژوهش

سؤال اصلی:

۱. نسبت سیاست و قدرت با نهاد پزشکی در دوره خلافت عباسی (۱۳۲-۴۴۷) چگونه بوده است؟

سؤالات فرعی:

۱. پزشکان دربار خلفای عباسی چه نقشی در مناسبات سیاسی و قدرت ایفا می‌کردند؟

۲. مناسبات خلیفه و پزشک در دوره خلافت عباسیان (۱۳۲-۴۴۷) چه ساختار ماهوی و شکلی داشت؟

۳. حضور پزشکان در دربار خلافت عباسی پزشکان چه کمکی به پیشرفت دانش پزشکی در قلمرو حکومت عباسیان کرد؟